

دموکراسی بدون

سیاست داخلی جمهوری وایمار

ترجمہ مہدی تدینی



Thoss, Handrik	تس، هندریک، ۱۹۶۹ م.
دموکراسی بدون دموکرات‌ها؟ سیاست داخلی جمهوری وایمار / هندریک	تس؛ ترجمه مهدی تدینی - تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۵.
ISBN 978-600-405-073-9	شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۰۷۳-۹
Demokratie ohne Demokraten? Die	ان‌ا
Innenpolitik der Weimarer Republik	تدینی، مهدی، ۱۳۵۹؛ مترجم.
	شماره کتابخانه ملی: ۳۸۶۶۱۰



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان / بین شهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم / تلفن: ۸۸۳۰۲۴۳۷

فروشگاه: خیابان کریمخان / بین شهر و ماهشهر / پ ۱۴۸ / تلفن: ۷-۸۸۳۲۵۳۷۶

Demokratie ohne Demokraten?

Die Innenpolitik der Weimarer Republik

Hendrik Thoss, be.bra Verlag, 2008

■ دموکراسی بدون دموکرات‌ها؟ سیاست داخلی جمهوری وایمار

● هندریک تس ● ترجمه مهدی تدینی ● ناشر: نشر ثالث

● مجموعه فلسفه و علوم اجتماعی (تاریخ آلمان در قرن بیستم)

● چاپ اول: ۱۳۹۵ / ۱۱۰۰ نسخه

● لیتوگرافی: ثالث ● چاپ: سازمان چاپ احمدی ● صحافی: مینو

● کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است

ISBN 978-600-405-073-9

● شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۰۷۳-۹

پست الکترونیکی: Info@salesspublication.ir

● سایت اینترنتی: www.salesspublication.ir

● قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

این کتاب بار عایت قانون کپی‌رایت منتشر شده است.

فهرست

۱۱	پیشگفتار: بسنده ترجمه فارسی
۱۵	یادداشت مترجم
۱۹	۱. مقدمه
۲۳	۲. شکل‌گیری جمهوری آلمان — پایان و آغاز دوباره
۲۹	آشوب‌ها در نیروی دریایی و انقلاب نوامبر
۳۶	بازسازماندهی سیاسی
۴۲	قیام ژانویه و انتخابات مجمع ملی
۵۰	قانون اساسی رایش — نوآوری در کنار نقص‌های ساختاری
۵۷	بحران در عرصه سیاست داخلی زیر سایه انزوای بین‌المللی (۱۹۱۹—۱۹۲۳)
۶۳	احزاب و جریان‌های سیاسی
۶۷	افسانه «خنجر از پشت» و کودتای کاپ-لوت‌ویتس
۷۳	انتخابات مجلس رایش و رادیکال‌شدن فضای سیاسی کشور
۷۷	مسئله غرامات جنگی و «سیاست اجرا» از سوی آلمان
۸۴	مبارزه رور و تورم

۹۰.....	افراط‌گرایی سیاسی در سال بحرانی ۱۹۲۳.....
۱۰۵.....	۳. «دهه طلایی بیست» - از خیال تا واقعیت.....
۱۰۷.....	انتخابات مجلس ۱۹۲۴ در میدان تنش‌های سیاست خارجی.....
۱۱۴.....	از ابرت به هیندنبورگ.....
۱۱۹.....	مالکیت از شاهزادگان و مناقشه پرچم.....
۱۲۶.....	دوره ملایف بزرگ.....
۱۲۸.....	مسئله ناوچه‌های زرهی و مناقشه صنایع آهن و فولاد رور.....
۱۳۲.....	سقوط درکراسه و سایه بحران جهانی اقتصاد.....
۱۳۹.....	۴. رایش و ایالت، ۱ - تلاش‌ها برای راستای اصلاح رایش.....
۱۴۹.....	۵. فرهنگ سیاسی.....
۱۷۱.....	۶. فرهنگ توده و نقد تمدن.....
۱۸۷.....	۷. نابودی جمهوری ۱۹۳۰ - ۱۹۳۳.....
۱۸۸.....	دوره کابینه‌های ریاستی (کابینه‌های منصوب رئیس‌جمهور).....
۱۹۴.....	انتخابات سپتامبر ۱۹۳۰.....
۱۹۷.....	اوج‌گیری حزب ناسیونال‌سوسیالیست کارگران آلمان.....
۲۰۵.....	حکومت اضطراری برونینگ.....
۲۰۷.....	سیاست‌های مالی و اقتصادی کابینه برونینگ.....
۲۱۲.....	بحران در دولت رفاه تحت‌الشعاع سیاست تورم‌زدایی.....
۲۱۹.....	سقوط دولت برونینگ.....
۲۳۱.....	فرانتس فون پاپن و کابینه «تمرکز ملی».....
۲۳۵.....	«سرنوشتی پروس» و انتخابات ژوئیه ۱۹۳۲.....

انتخابات ششم نوامبر ۱۹۳۲ ۲۴۳

از پاپن به اشلاشر ۲۴۸

میان وضع حالت فوق العاده و «تسخیر قدرت» از سوی حزب ناسیونال سوسیالیست ۲۵۳

پایان کار جمهوری ۲۵۹

۸ چرا نخستین دموکراسی آلمان به شکست انجامید؟ ۲۶۳

۹. پست ها ۲۶۷

کتابها مترجم ۲۹۰

پی نوشت ها ۲۹۱

نمایه ۳۰۵

www.ketab.ir

پیشگفتار نویسنده بر ترجمه فارسی

کتاب‌ها، تاریخ، جمهوری ایمار و مباحث علمی پیرامون دموکراسی اول آلمان تا به امروز چه در آلمان و چه خارج از آن، با مقبولیت بسیار روبرو بوده‌اند. این وضعیت بیش از همه مرهون این واقعیت است که جمهوری ایمار با موجودیت چهارده‌ساله‌اش — از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳، یعنی حد فاصل زمانی میان امپراتوری و بلهلمی و جنگ جهانی اول تا ناسیونال‌سوسیالیسم هیتلر — مسیر تکاملی ویژه‌ای را پیمود و حتی در تاریخ پررخداد و پرمنازعه قرن بیستم آلمان دوران خاصی را ساخته است.

در زمینه پژوهش‌های علمی، این علاقه علمی همیشگی به جمهوری وایمار در انبوهی از آثار منتشرشده بازتاب یافته است؛ آثاری که شمار آن‌ها است صاحب‌نظران نیز بیرون شده و می‌توان گفت در آن‌ها به تک‌تک جزئیات پیدایش و فرار و فرود دموکراسی اول آلمان پرداخته شده است. این فرایند کار را به جایی رسانده که راندنی کلی رفته‌رفته حالت مرور منابع به خود گرفته‌اند. با وجود این، کتاب پیش رو می‌کوشد در بررسی خود، بر مدار پرسش‌های اساسی تاریخ سیاسی جمهوری وایمار بماند. در این مسیر، پرسش‌های مربوط به سیاست داخلی، محور بحث را تشکیل خواهند داد و در مقابل، به سیاست خارجی و فرهنگ تنها در حاشیه اشاره خواهد شد.

در دریافت عمومی در آلمان، همواره تصویری بسیار دوگانه از جمهوری وایمار ترسیم شده است. تصویری پر از آشوب، هرج و مرج و خشونت؛ هم در سال‌های بنیان‌گذاری جمهوری و هم در سال‌های زوال آن. چنان‌که می‌دانیم این جمهوری اصلاً نامش را از آن‌جا

گرفته است که مجمع ملی مؤسسان قانون اساسی مجبور شده بود در سالن تئاتر شهر وایمار در ایالت تورینگن تشکیل جلسه دهد؛ در پی شورش‌های یگان‌های نظامی و تلاش‌های خشونت‌آمیز نیروهای چپ رادیکال برای براندازی [جمهوری]، نمایندگان مجمع ملی ناگزیر شتابان از برلین پر آشوب به وایمار گریخته بودند. از این منظر که بنگریم، جمهوری وایمار مثالی است برای دشواری‌های گونه‌گونی که پس از شکست نظامی در جنگ خارجی — در این‌جا شکست در جنگ جهانی اول — از بازسازی ساختارها و نظام‌های حکومتی پدید می‌آیند؛ دشواری‌هایی که فضای عمل دولت‌ها را تا حد زیادی محدود می‌کنند.

اما همزمان، تصویر جمهوری وایمار رگه‌های پررنگی از تجدید نیز دیده می‌شود: این تجدید هم در نگاه مدار قانون‌گذاری اجتماعی (سوسیال) که از دوران امپراتوری ویلهلمی در اواخر قرن نوزدهم آغاز شد، بود نمایان است و هم در شکوفایی به راستی پرهیاهوی همه‌اشکال و الگوهای آن در سراسر فرهنگ معاصر.

این میدان تنش در طول چهارده سال دموکراسی اول آلمان، از آغاز تا پایان، تأثیری سبک‌آفرینی داشته است. این در حالی است که سال‌های پایان جمهوری همراه بود با بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و نبردی همواره رادیکال‌تر میان ایده‌ها و خشونت‌ورزان چپ و راست در فضای عمومی. این شرایط منجر به این شد که بسیاری از آلمانی‌ها از ارزش‌ها، ایده‌ها و هنجارهای دموکراسی رویگردان شدند و به بازیگران سیاسی‌ای روی آوردند که نه تنها خواستار گسستی رادیکال با «نظام» بودند، بلکه برای همه آن مشکلات گوناگون و پرشماری که دامان کشور را گرفته بود، در پی راه‌حلی ساده و پایدار بودند. این رویکرد با تأیید بخشی از ایت سیاسی نیز روبرو شد؛ بخشی که — مانند رت فون هیندنبورگ، رئیس‌جمهور رایش — به نظر دغدغه‌شان «وحدت ملت آلمان» و رای مواضع سیاست حزبی بود. پیامد منطقی این فرایند این بود که در ژانویه ۱۹۳۳ قدرت سیاسی از راه مشروع و دموکراتیک به آدولف هیتلر واگذار شد؛ سیاستمداری که از قضا در زمره سرسخت‌ترین مخالفان این دموکراسی بود و در کم‌ترین زمان ممکن طومار جمهوری را پیچید.

در این جا می‌خواهم از آقای مهدی تدینی بابت علاقه‌مندی، همت و آمادگی‌شان
صمیمانه تشکر کنم که ترجمه این کتاب را از آلمانی به فارسی بر عهده گرفت و بدین‌سان
آن را در دسترس خوانندگان ایرانی نهاد.

هندریک تئس

کمیته‌س، ژانویه ۲۰۱۶

www.ketab.ir

یادداشت مترجم

در سیام رانویث ۱۹۲۱ میلادی از طبقه فرودست، بی آن که در هیچ نهاد حکومتی یا نظامی جایگاهی داشته باشد، تنها به واسطه کتاب که به حزبش به عنوان صدراعظم آلمان برگزیده شد: آدولف هیتلر، در پیشینه حزب و تحصیلش هیچ نقطه درخشانی دیده نمی شد و حتی شهروندی آلمانی اش را نیز به تازگی و با تأخیر به دست آورده و در آن حزبش توانسته بود بگیرد. بزرگترین افتخارش شاید همان کودتایی بود که در سال ۱۹۲۳ به تقلید از موسولینی در ایالت بایرن انجام داده بود و به شکل مفتضحانه ای شکست خورد، اما پشتوانه اصلی او حزب نیرومندی بود که رفته رفته به حکومت تبدیل شده بود و همین ماشین حزبی او را از فرش گمنامی به عرش سیاست جهان رساند. پس در عرض چند ماه چهره آلمان را چنان دگرگون کرد که از جمهوری وایمار نشانی نماند. اگرچه فرهنگ ساز پادگانی تمام عیار ساخت و چندی بعد همه اروپا را به زیر چکمه مردان جنگارین کشید. هر قدر هم که باورها پیرامون هیتلر و چگونگی به قدرت رسیدنش با یکدیگر مغایرت و حتی متضاد باشند، در یک نکته هیچ تردیدی وجود ندارد: هیتلر با فعالیت حزبی در اروپای شرقی شروع و از مسیری مردم سالارانه به کاخ صدارت آلمان راه یافت. البته بی تردید از همان ابتدا هدف اصلی او برجیدن نظام پارلمانی و نابودی جمهوری بود. مگر این جمهوری چگونه پدید آمده بود؟ چه ویژگی هایی داشت؟ چرا بسیاری از نیروها و جریان های سیاسی در آلمان، به هیچ روی سر آشتی با این جمهوری نداشتند؟ چگونه جمهوری چنین ماری را در آستین پرورانده بود تا روزی از نیشش از پای درآید؟

در نوامبر ۱۹۱۸، هنگامی که شکست آلمان در میدان جنگ جهانی اول دیگر آشکار شده بود، در پی بالا گرفتن امواج انقلاب در آلمان، نظام سلطنتی مشروطه سرنگون شد. در آلمان جمهوری اعلام شد و همان احزاب جمهوری‌خواهی که در دهه‌های منتهی به جنگ جهانی اول، فعالیت سیاسی‌شان را در چارچوب تنگ نظام ویلهلم ادامه داده و برای دموکراتیک‌سازی آلمان بسیار کوشیده بودند، اکنون اداره کشور را در دست گرفتند. هیتلر سایر مخالفان پرشمار جمهوری، این احزاب و دولتمردان جمهوری‌خواه را «جنايتکاران» می‌نامیدند. در تاریخ‌نگاری آلمان این جمهوری پانزده‌ساله به «جمهوری وایمار» معروف است.

این حکومت دموکراتیک در عمر نسبتاً کوتاه خود، روزهای پرفراز و نشیبی را سپری کرد. اما در کنار همه این‌ها در زمان ثبات جمهوری، حزب هیتلر منزوی و ناکام بود و هنگامی که جمهوری به دشمنی‌های سیاسی و اقتصادی می‌افتاد، حزب مجال رشد و شکوفایی می‌یافت. میان تضعیف جمهوری و مار و تقویت حزب ناسیونال‌سوسیالیست همواره ارتباطی مستقیم وجود داشت. این ارتباط معکوس چنان بود که به قدرت رسیدن هیتلر و حزبش به معنای مرگ دموکراسی وایمار بود. پس روایت شکست جمهوری وایمار، توانمان روایت پیروزی فاشیسم آلمان است.

بنابراین، اصلی‌ترین پرسشی که پیرامون به قدرت فاشیسم در آلمان وجود دارد، این است که دلیل فروپاشی جمهوری وایمار چه بود؟ چه شد که نظام پارلمانی حاکم، دشمن خود را در دامان خود پروراند و رفته‌رفته در برابرش به خاک افتاد؟ در انتخابات پارلمانی ماه مه ۱۹۲۸ حزب ناسیونال‌سوسیالیست هیتلر تنها ۸۱۰٬۰۰۰ رأی به دست آورده بود؛ معادل ۲٫۶ درصد آرا. اما تنها چهار سال بعد، در انتخابات پارلمانی ژوئن ۱۹۳۲ حزب توانست با کسب ۳۷٫۴ درصد آرا، شمار رأی‌دهندگان خود را به ۱۳ میلیون و ۷۵۰ هزار نفر برساند. این جهش خیره‌کننده را چگونه می‌توان توضیح داد؟ اما مهم‌ترین نکته این است که آسیب‌شناسی جمهوری وایمار همزمان آسیب‌شناسی ماهیت نظام‌های جمهوری و پارلمانی است. به همین دلیل است که مطالعه تاریخ سیاسی پانزده‌ساله جمهوری وایمار اهمیتی فراوان دارد، زیرا با کالبدشکافی آن می‌توان به مرض مهلکی پی برد که در کالبد

هر نظام حکومتی مشابه دیگر نیز می‌تواند رخنه کند. با این اوصاف، کتابی که به تاریخ سیاسی جمهوری وایمار می‌پردازد، بیش از هر چیز باید با نگاهی آسیب‌شناختی این پرسش‌های اساسی را پاسخ دهد.

هندریک تس^۱، تاریخ‌نگار و استاد رشته تاریخ اروپا در دانشکده فلسفه دانشگاه کمینیس^۲ آلمان، تصویری کامل از جمهوری وایمار ترسیم می‌کند، بدون آن که ذهن خواننده را بیش از حد درگیر جزئیات کند. کتاب تاریخ جمهوری وایمار (طرح نو ۱۳۸۴)، نوشته آرتور روزنبرگ تنها کتابی است که تا کنون پیرامون جمهوری اول آلمان به فارسی منتشر شده است. از ترجمه شایسته دکتر خرابی که بگذریم، دو نکته را باید در نظر داشت. نخست آن که روزنبرگ در دوران جمهوری وایمار خود از چهره‌های شاخص حزب کمونیست آلمان بود و گرچه پس از اخراج از حزب در اندیشه‌های رادیکال خود کمی بازنگری کرد، اما هر وی، روایت او از جمهوری وایمار روایتی کمونیستی است. دوم این که روزنبرگ کتاب را در سال ۱۹۳۵ نوشته و بیش‌تر به سال‌های نخستین جمهوری وایمار پرداخته و به سه سال آخر جمهوری هیچ اشاره‌ای نکرده است؛ یعنی درست همان سال‌هایی که جمهوری آلمان در سرانجام سقوط افتاد بود. البته این ملاحظات از ارزش و اهمیت آن کتاب هیچ نمی‌کاهد. اهمیت جمهوری وایمار و نیاز به ارائه روایتی غیرایدئولوژیک از آن، نگارنده این سطور را با آن داشت کتاب پیش رو را به فارسی برگرداند.

انتشارات ببر^۳ با سرپرستی به استاد برجسته تاریخ معاصر معانی تا کنون شانزده جلدی را با عنوان «تاریخ اروپا در قرن بیستم» منتشر کرده است که کتاب دموکراسی بدون دموکرات‌ها؛ سیاست داخلی جمهوری وایمار^۴ (اکتبر ۲۰۰۱)، ششمین

۱. Hendrik Thoß (متولد ۱۹۶۹ م).

2. Technische Universität Chemnitz

3. be.bra Verlag

۴. پروفیسور فرانک لوتار کroll (Frank-Lothar Kroll) از دانشگاه کمینیس؛ پروفیسور زونکه نایسل (Sönke

Neitzel) از دانشگاه ماینتس و پروفیسور مانفرد گورتماکر (Manfred Görtemaker) از دانشگاه پوسدام.

5. Demokratie ohne Demokraten? Die Innenpolitik der Weimarer Republik

مجلد آن است. مترجم کتاب در نظر دارد با همکاری نشر ثالث مجموعه «تاریخ آلمان در قرن بیستم» را به فارسی برگرداند و در واقع با انتشار کتاب پیش رو، نخستین مجلد از این مجموعه را خدمت خوانندگان فارسی‌زبان عرضه می‌کند. هر یک از مجلدهای مجموعه «تاریخ آلمان در قرن بیستم» به موضوع و برهه‌ای خاص از تاریخ قرن اخیر آلمان می‌پردازند و ارتباط محتوای مستقیمی با یکدیگر ندارند و می‌توان هر مجلد را به طور مجزا مطالعه کرد. سایر مجلدهای این مجموعه یکی یکی در فواصل چندماهه در نشر ثالث منتشر خواهند شد.

در کتاب پیش روی، مترجم کوشیده است با افزودن پانوشته‌هایی به پرسش‌های احتمالاً خوانندگان پاسخ دهد. پانوشته‌های مترجم در طول متن و یادداشت‌های نویسنده با اعداد متوالی (داخل پرانتز) در پایان کتاب آمده‌اند. منابع مورد استفاده مترجم همگی لاتین بوده‌اند که فهرستشان در انتهای کتاب آمده است. همچنین مترجم پنج پیوست (شماره‌های یک تا پنج) به کتاب افزوده است. این پیوست‌ها در نسخه اصلی بوده‌اند.

در پایان از هندریک درویر سپاسگزارم که از انتشار این کتاب در ایران پشتیبانی کردند و مقدمه‌ای بر ترجمه فارسی کتاب نوشتند. البته مراتب قدردانی خود را بیش از همه باید نسبت به نشر ثالث و مدیر گرامی آن ابراز کنم که در نظر دارند از پروژه «تاریخ آلمان در قرن بیستم» حمایت کنند. امید است خوانندگان فرهیخته کتاب با نقد موşkافانه‌شان کاستی‌های کار مترجم را به وی گوشزد کنند.

مهای تدینی

بهمن ۹۲